

موانع مشارکت زنان در فعالیت های دولتی

■ زهرا رضایی ■

رای دادن محروم کرده، در مراحل دیگر نیز زنان از حضور در سطح نخبگان بازماندند و نظام مردسالاری بر تلاش های زنان فائق آمد. حضور زنان در فعالیت های دولتی نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. از این رو سعی داریم با نگاه اجمالی به این مسئله موانع عمده پیش روی زنان برای حضور پررنگ تر در مشاغل دولتی که در نهایت می تواند به حضور آنها در سطوح بالای نظام و تصمیم گیری منجر شود را بررسی کنیم. این موانع را تحت سه عنوان کلی می توان بررسی کرد:

۱- موانع فردی:

الف- ضعف خودباوری در زنان

ب- موانع خانوادگی

۲- موانع محیطی:

الف- موانع فرهنگی-اجتماعی

ب- موانع اقتصادی

۳- موانع سازمانی:

الف- موانع قانونی

ب- آموزش و پرورش رسمی

۱- موانع فردی:

بخشی از موانع پیش روی زنان در عرصه

وجود انگیزه سیاسی در زنان ایرانی است. اما همان طور که قانون مشروطیت حضور پررنگ و باارزش زنان را نادیده گرفت و آنها را از حق



○ اگر تمام موانع موجود برای فعالیت زنان در جامعه از میان برداشته شود نهایتاً خواست و اراده خود آنها در بهبود موقعیت اجتماعی شان مهم است.

از آنجا که همواره زنان نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می دهند چنین انتظار می رود که این نیروی بالقوه گسترده با مشارکت بالفعل خود در طیف فعالیت های متنوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همگام با مردان چرخ های جامعه را به حرکت در آورد. اما غالباً در طول تاریخ فرصت ها و امکانات حیات اجتماعی برای زنان به نحوی توزیع نشده است که آنان به راحتی بتوانند همدوش مردان در صحنه های زیست جمعی حاضر شده و بدون محدودیت های جنسیتی به ایفای نقش بپردازند. در همین راستا زنان ایرانی نیز در دفترچه مشارکت سیاسی خود خاطرات کمی را ثبت کرده اند.

فرهنگ مرد سالارانه جامعه سنتی ایران دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به زنان داشت و مجال فعالیت سیاسی برای آنان باقی نمی گذاشت. در عین حال هر کجا نیاز به حضور توده ای زنان بوده، آنها همپای مردان در جامعه حضور داشته اند. حضور تاریخی زنان در قیام تنباکو و مهم تر از آن حضور زنان در انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نشان دهنده

مشارکت به خود آنها باز می گردد. از جمله این موانع به ضعف خود باوری در زنان و موانع خانوادگی اشاره می کنیم:

الف- ضعف خود باوری تمایل به پیشرفت در میان زنان

اگر این ضعف را به عنوان اولین مانع مورد بررسی قرار می دهیم بدین خاطر است که اگر تمام موانع موجود برای فعالیت زنان در جامعه از بین برداشته شود، نهایتاً خواست و اراده خود زنان مهم است.

استیلای فرهنگ مردسالاری از یک سو و عدم حضور زنان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر سبب ضعف خود باوری و اتکاء به نفس در میان زنان و کاهش میل به پیشرفت و تغییر موقعیت در آنها شده است.^(۳)

می توان در یک نگاه همه این مشکلات و نابرابری ها را بر عهده مردان یا دولت گذاشت، اما این تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه پذیرش نگرش های سنتی نسبت به زن از سوی جامعه زنان است. این پذیرش رویکرد آنها به مشارکت را تحت تاثیر قرار داده است. زمانی که زنان تقسیم کار جنسی را که در طول زمان نهادینه شده بپذیرند، ایجاد تغییرات در وضعیت آنان مشکل خواهد بود. با این پیش زمینه ها زنان استعدادها و توانائی هایشان را نادیده گرفته و خود را در چارچوب تعریف سنتی محصور در خانه و وقف شوهر و فرزندانیشان در خانه کرده اند.

به طور کلی می توان گفت عدم آگاهی از استعدادهای بالقوه، اسیر تفکر پوسیده و غیر واقعی بودن، نداشتن درک صحیح از سنت، مذهب، عرف و مسایل حقوقی از جمله عواملی است که بخشی از زنان جامعه را مبدل به یکی از بزرگترین موانع احقاق حقوق زنان کرده است.

ب- موانع خانوادگی

مشکلات درون خانگی زنان به دو دسته عمده تقسیم می شود: مخالفت مردان با اشتغال همسرانشان و همچنین مشکلات ناشی از مسئولیت های زندگی خانوادگی، نگهداری فرزندان و مدیریت خنله. زنان به لحاظ مسائلی چون بلزداری، شیردهی و مراقبت از کودکان خود حداقل در سه سال اول زندگی نمی توانند نیروهای فعال در جامعه باشند که این مسئله در تمامی کشورهای صنعتی و سرمایه داری نیز وجود دارد، لذا زنان به عنوان نیروی کار برابر با مردان مورد توجه واقع نمی شوند.

علاوه بر این زنان با معضل فشارهای ناشی از کار بیرون و کارخانه روبرو هستند، چرا که نگرش سنتی مردسالاری باعث شده تقسیم ناعادلانه در کار بین زنان و مردان برقرار شود که این امر به زیان زنان است.

برای نمونه بررسی آماری که در هفت کشور صنعتی جهان (آلمان، آمریکا، انگلیس، ایتالیا، روسیه، ژاپن و کانادا) بر روی ساعت مصرف شده در طول هفته در خانواده ها انجام شده نشان می دهد که در این کشورها به طور میانگین زنان ۷۳ درصد از ساعات خود را صرف کارخانه کرده اند، در مقابل مردان تنها ۲۶ درصد از این ساعات را به خود اختصاص داده اند. در حالی که ۳۵ درصد از ساعات اشتغال در آمد زای خانواده متعلق به زنان و ۶۵ درصد به مردان است. با جمع این ارقام و تقسیم آنها بر دو مشخص می شود میانگین کار زنان در خانه و بیرون از خانه ۵۵ درصد است و این در حالی است که مردان ۴۴/۶ درصد از فعالیت ها را انجام می دهند.^(۴)

این همه در صورتی است که مرد اجازه کار بیرون از خانه را به زن بدهد. بسیاری از زنان در صورت مخالفت جدی همسرانشان قادر به ادامه فعالیت های خود در بیرون از خانه نیستند. پایه این مخالفت ها بر نگرش سنتی

○ در جوامعی که

اساس نگرش اجتماعی جامعه

بر پایه مردسالاری گذاشته شده

مسئله فرصت های ارتقاء شغلی برای

زنان نسبت به مردان اگر نگوئیم

وجود ندارد ناگزیر باید اعتراف کرد

که بسیار کمتر است.

تقسیم کار جنسیت مبنی بر مبانی فرهنگی جامعه مردسالار قرار دارد. در جامعه کم نیستند مردانی که با اتکاء به نقش سنتی که نگرش اجتماعی مردسالاری برای زنان قائل است با اشتغال بیرون از خانه زنان شدیداً مخالف هستند و برای این کار دلایل مختلفی دارند که همگی نهایتاً به محدود کردن توانائی های زن در حصار خانه منجر می شوند.

۲- موانع محیطی

در عین حال به نظر می رسد بخش عمده موانع فردی پیش روی زنان تحت تاثیر عوامل محیطی شکل گرفته است.

الف- موانع فرهنگی - اجتماعی

از عوامل فرهنگی به عنوان موانع اساسی برای مشارکت زنان می توان یاد کرد. عوامل فرهنگی به علت گستردگی اشکال گوناگونی به خود می گیرند. از طرف تفکر زنان و خانواده ها در مورد آنان گرفته تا بینش اجتماعی، شخصیت، هنجارهای مذهبی و سنت های اجتماعی.

در جوامعی که اساس نگرش اجتماعی جامعه بر پایه مردسالاری گذاشته شده مسلماً فرصت های ارتقای شغلی برای زنان نسبت به مردان اگر نگوئیم وجود ندارد، ناگزیر باید اعتراف کرد که بسیار کمتر است. از آنجایی که در چنین جوامعی توانائی های اجتماعی زنان به دیده شک نگرسته می شود لاجرم به زنان فرصت های کم تری برای ارتقاء سطح خود در سلسله مراتب شغلی داده می شود.

میراث فرهنگی ما تا حدود زیادی نشان دهنده فرودستی زنان در عرصه امور فردی و اجتماعی و فرا دستی مردان در عرصه های گوناگون حیات اقتصادی- اجتماعی بوده است. در اغلب خانواده ها مرد مسئول اصلی تأمین معیشت خانواده است و زن مسئول اداره



۶۵-۵۵، ۷۰-۶۵ و ۷۵-۷۰ به طور متوسط به ترتیب سالانه ۳/۸، ۷۶ و ۷۷ درصد افزایش یافته است.^(۵)

نگاهی به وضعیت جمعیت فعال و غیر فعال زنان در ده سال گذشته حاکی از آن است که زنان ۱۷۷ درصد از جمعیت فعال اقتصادی را تشکیل می دهند. این در حالی است که زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند. تسلط انگاره های مرد سالارانه، نادیده گرفتن کار زنان و عدم تنوع فرصت های شغلی از جمله موانع مهم در مشارکت اقتصادی زنان محسوب می شود.

۳- موانع سازمانی

در این بخش به بررسی موانع قانونی و مشکلاتی که در نتیجه آموزش و پرورش ایجاد شده می پردازیم.

الف- موانع قانونی

این موانع در دو بخش قوانین ناظر بر خانواده و قوانین ناظر بر اشتغال قابل بررسی است.

قوانین ناظر بر خانواده:

۱- پرداخت نفقه تکلیف مرد است. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی بیان می دارد: در عقد دائم نفقه زن بر عهده شوهر است. ماده ۱۱۹۹ قانونی مدنی نیز تأکید می ورزد که «نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق بر عهده جد پدری است...»

۲- رضایت شوهر برای اشتغال زن در خارج از خانه. ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی دستور می دهد: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»

براین اساس شوهر تحت هر عنوان می تواند عامل تعیین کننده ای برای ادامه اشتغال یا قطع اشتغال زن به شمار آید.^(۶)

قوانین ناظر بر اشتغال

۱- قانون اشتغال نیمه وقت زنان در آذرماه ۱۳۶۲ قانون خدمت نیمه وقت بانوان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب قانون مذکور بانوان کارمند رسمی و ثابت در صورت موافقت وزیر یا بالاترین مقام موسسه مطبوع خود می توانند از خدمات نیمه وقت استفاده کنند. خدمت نیمه وقت خدمتی است که ساعات کار آن نصف ساعات کار مقرر هفتگی وزارت خانه ها و موسسات می باشد و حقوق آن نیز نصف حقوق پایه های مشابه است. کارشناسان معتقدند این طرح نه تنها به یکی



○ استیلای فرهنگ مردسالاری از یک سو و عدم حضور زنان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر سبب ضعف خود باوری و اتکاء به نفس در میان زنان و کاهش میل به پیشرفت و تغییر موقعیت در آنها شده است.

سطوح بالاتر خواهد بود. همچنین از سویی دیگر کسب قدرت اقتصادی، قدرت تصمیم گیری بیشتری در امور زندگی به آنان می دهد و تسلط بی چون و چرای مرد را در خانه کاهش می دهد. بی شک تغییر موقعیت زن در ساختار خانواده مشارکت زنان را در عرصه های اجتماعی تسهیل می کند. در میان شاخص های اقتصادی قطعاً شاخص اشتغال جایگاه ویژه ای دارد. همیشه سهم زنان در اشتغال پائین تر از مردان بوده است. آیا واقعاً زن ها کار نمی کنند. یا ما آنها را در محاسباتمان نادیده می گیریم. بسیاری از فعالیت های زنان از جمله زنان روستایی که سهم ویژه ای در فعالیت های اقتصادی خانواده دارند در آمارها نادیده گرفته می شود. در بخش های دولتی امکان تنوع شغلی کم تری برای زنان وجود دارد. براساس اطلاعات موجود زنان تنها ده گروه شغلی را می توانند انتخاب کنند در حالی که این عدد برای مردان ۱۳۶ است. در شغل های دولتی اگر چه در بند استخدام حقوق دریافتی زن و مرد یکسان است اما مردان بهرین تر از زنان در امری را می کنند و در مقابل انجام کار معین دستمزد مردان با اضافه شدن حق عائله مندی، حق مسکن و ... بیشتر از زنان است.^(۷) جمعیت زنان خانه دار طی سه دوره

خانه و رسیدگی به فرزندان می باشد. بی تردید با سلب مسئولیت از زن، او از حق مشارکت خود محروم خواهد شد.

البته دیدگاه های سنتی از بدو تولد دختر، او را به گونه ای خاص جامعه پذیر می سازد و در این زمینه خانواده به عنوان اولین عامل جامعه پذیری نقش مهمی دارد. مطالعات نشان می دهد که در بسیاری از کشورهای جهان سوم، فرزند پسر از نظر والدین برتر محسوب می شود. همچنین گزارش بیمارستان ها حاکی از آن است که اطفال دختر نسبت به پسران از تغذیه نامناسب تری برخوردارند. اطلاعاتی که در سال ۱۳۷۰ جمع آوری شده نشان می دهد که سوء تغذیه در دختران تقریباً دو برابر پسران است.^(۸) دختران از کودکی به یاد گرفتن امور خانگی تشویق می شوند و پسران به سوی فعالیت های فنی، تولیدی و حرفه ای. روند جامعه پذیری جنسی در نهاد آموزش به عنوان دومین عامل جامعه پذیری نیز ادامه می یابد. الگوهای جنسیتی در کتب درسی و برنامه های آموزشی برداشت های سنتی را در اذهان تقویت می کند و حتی این گونه الگوها که از کتب درسی و برنامه های آموزشی به ذهنیت دختر بچه ها راه می یابد باعث می شود تا زنان جوان در آینده نیز همانند گذشته نیروی خود را دست کم بگیرند و به سوی پذیرش کارهای کم مهارت، کم درآمد و با وجهه اجتماعی پائین گرایش پیدا کنند.

ب- موانع اقتصادی

ضعف توان و نیز مشارکت اقتصادی زنان سبب کاهش حضور آنان در عرصه های گوناگون اجتماعی می گردد. کسب درآمد فردی و یافتن هویت مستقل اقتصادی موجب افزایش توانمندی و نهایتاً مشارکت آنان در

از موانع مشارکت اقتصادی زنان تبدیل شده که باعث عدم ارتقای زن در محیط اشتغال و تثبیت موقعیت او به عنوان خانه دار نیز گردیده است. البته این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که برخی از زنان به خاطر مشکلاتی که وظایف مادری و خانه داری برای آنها ایجاد می کند، از اشتغال نیمه وقت استقبال می کنند.

۲- عدم کفایت مرخصی زایمان یا مرخصی مادری

کارشناسان این امر را از موانع مشارکت اقتصادی زنان به شمار می آورند. زنان کارمند رسمی و قراردادی می توانند تا سه ماه مرخصی مادری یا حقوق بگیرند. چنانچه مادران به هر دلیلی به مرخصی بیشتری نیاز داشته باشند ناچاراً باید مرخصی بدون حقوق بگیرند.

۳- ماده پنج مصوبه بیست مرداد ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی

براساس این مصوبه سیاست های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی مشخص می شود. حیطه اشتغال زنان را تأکید بر مشاغلی که پرداختن بدان از سوی زنان مطلوب شارع است مانند مامایی و یا با ویژگی های بانوان از لحاظ روحی و جسمی متناسب است. مانند معلمی، مترجمی و ... محدود کرده است.

همین ماده از مشاغلی که به دلیل منع شرعی یا شرایط خشن کار و یا به دلیل ارزش های اعتقادی برای بانوان ناسازگار است مانند قضاوت و آتش نشانی هم سخن می گوید.^(۳)

ب- آموزش و پرورش رسمی

بالا رفتن نرخ باسوادی بر روی وضعیت زنان تأثیر گذاشته به نحوی که نرخ مشارکت زنان را افزایش داده و جمعیت فعال آنان را به میزان ۷۶ درصد متأثر ساخته است اما هنوز هم فرصت های برابر آموزش های تخصصی در اختیار زنان قرار ندارد.

هنوز هم نظام های آموزشی و حتی آموزش های حرفه ای بیشتر زنان را برای کارهای خاص زنانه تربیت می کنند و کم توجهی به آموزش زنان از جمله عواملی است که در تمام سطوح آموزشی اختلاف فاحشی بین مردان و زنان ایجاد کرده و این مسئله در دوره های کارشناسی ارشد و دکترا نمود بیشتری دارد.

آمار و اطلاعات حاکی از آن است که اگر چه جمعیت دانشجویی زنان و جامعه زنان عضو هیئت علمی دانشگاه ها بعد از انقلاب روند افزایشی داشته و اکنون سهم دختران در ورود به دانشگاه ها از پسران بیشتر است اما

هنوز هم مردان فرصت بیشتری برای وارد شدن به رشته های تخصصی را دارند. به این ترتیب زنان کمتر از مردان فرصت راهیابی به مشاغل تصمیم گیری و تخصصی را دارند. مسئله مهم دیگری که به ساختار غلط آموزش رسمی باز می گردد، نحوه جامعه پذیری کودکان در نهاد آموزش است. تحلیل محتوای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مورد کتاب های درسی دوره ابتدایی به ما می گوید که بسیاری از این کتاب ها مردانه هستند. در مقابل هر چهار اسم مرده، اسم یک زن ذکر شده و جالب این که بین پایه های تحصیلی و اسامی زنان رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هر چه از آموزش کلاس اول به پنجم می رویم از سهم اسامی زنان کاسته و بر سهم اسامی مردان افزوده می شود. به طوری که این نسبت به ده به یک می رسد. به این ترتیب با بزرگتر شدن بچه ها، اسامی زنان را از کتاب هایشان حذف و حضورشان را کم رنگ می کنیم. بعد از انقلاب، محدودیت های بیشتری در این رابطه اعمال شد. تصاویر زن ها در حال ورزش

کردن از کتاب ها حذف شد. اینک مشاغل مطرح در کتاب ها اغلب مشاغل مردانه هستند. به این ترتیب قدرت مندی مردان در ذهن کودکان نهادینه می شود و باعث عدم شرکت زنان در عرصه های اجتماعی می گردد.

نتیجه گیری

در تحلیل موارد یاد شده می توان گفت اگر چه گسترش آگاهی زنان در سال های اخیر باعث افزایش حضور آنها در جامعه شده اما وجود موانعی که قدمت آنها به اندازه تاریخ دوری زنان از عرصه عمومی است باعث شده کثرت حضور زنان در جامعه به افزایش نقش آنها در فعالیت های دولتی و در نتیجه تصمیم گیری های نظام سیاسی نینجامد.

در واقع می توان گفت موقعیت فرو دستی زن ایرانی نسبت به مردان یک سنت دیرپای اجتماعی و محصول قرن ها آموزه های اخلاقی نادرست در منع آزادی و استقلال زن و اقناع وی به پذیرش جایگاه محدود خویش است. ظهور این ویژگی بی شک تابعی از شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه بوده است. چنین محیطی که با ضعف مادی و فقر امکاناتی زنان نیز همراه بود نتیجه ای جز تسلیم زن در مقابل نظام مردسالار و دوری از صحنه اجتماع به همراه نداشته است.

از این رو شناخت دقیق موانع مشارکت بیشتر زنان در عرصه عمومی و تلاش در جهت رفع آنها گامی ارزشمند در ارتقاء موقعیت زن ایرانی است. هر چند اثرات قرن ها تسلط نظام مردسالاری با تلاشی چند ساله زوددنی نیست و لزوم همراهی دولتمردان و برنامه ریزان در جهت رفع موانع موجود امری غیر قابل انکار است.

○ در طول تاریخ فرصت ها

و امکانات حیات اجتماعی برای زنان به نحوی توزیع نشده است که آنان به راحتی بتوانند همدوش مردان در صحنه های زیست جمعی حاضر شده و بدون محدودیت های جنسیتی به ایفای نقش بپردازند.



پانویس:

- ۱- کمالی، افسانه، رهیافت مشارکت زنان در توسعه، پیش شرط ها و موانع پژوهش زنان، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۱، ۱۳۸۰.
- ۲- روزنامه همشهری ۷۸/۶۲۸
- ۳- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۵.
- ۴- شادی طلب، ژاله، توسعه و چالش های زن ایرانی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱، صص ۵۱-۴۱.
- ۵- گزارش وضعیت اشتغال زنان، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران: ۱۳۸۱، ص ۴.
- ۶- کار، مهرانگیز، زنان در بازار ایران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹، صص ۱۶۴-۱۶۲.
- ۷- همان، صص ۱۶۷-۱۶۲.